

Research Article

Muslim Woman Etiquette Based on Verses and Hadiths

Hosein Rahmani¹

Abstract

In a general view, the verses of the Qur'an are divided into three categories: doctrinal and fundamental teachings, jurisprudential rules, and moral do's and don'ts. Each verse of the Qur'an directly or indirectly seeks a thematic representation of these three categories of verses. Jurisprudential and moral verses can be divided into three categories of verses for men, women and common between the two. Due to the creative differences between men and women; Both natural, social and spiritual, their duties and responsibilities are sometimes different and different. According to the Qur'an, men and women are equal in terms of human identity and spiritual and faith benefits. However, in the Qur'an, with one exception, God does not address women, especially in the verses of social and family rulings, where the direct addressee of the verses of men is always mentioned as a woman with an absent form. Due to the fact that verses for women have received less attention and research and less discourse has been done about it. In this article, an attempt has been made to extract verses related to the rules and morals of women in the personal, family and social fields, and the views of the great Shiite commentators on these verses have been expressed and the desired ruling has been announced.

Keywords: Etiquette, Cover, Permission, Abstraction

1. Faculty Member and Assistant Professor Payam Noor University

Correspondence Author: Hosein Rahmani

Email: Rahmanitirkalai1391@yahoo.com

DOI: [10.30495/QSF.2022.1931697.2559](https://doi.org/10.30495/QSF.2022.1931697.2559)

Receive Date: 26.05.2021

Accept Date: 08.07.2021

آداب زن مسلمان بر اساس آیات و روایات

حسین رحمانی تیرکلانی^۱

چکیده

آیات قرآن در یک نگاه کلی به سه دسته آموزه‌های اعتقادی و اصولی، احکام فقهی و بایدها و نبایدهای اخلاقی تقسیم می‌شود. هر آیه‌ای از قرآن بصورت مستقیم یا غیرمستقیم در پی برنمایی موضوعی از این سه دسته آیات است. آیات فقهی و اخلاقی را می‌توان به سه دسته آیات مختص مردان، زنان و مشترک میان آن دو پخش کرد. نظر به تفاوت‌های آفرینشی مرد و زن؛ اعم از طبیعی، اجتماعی و روحانی، تکالیف و وظایف آن دو نیز گاه متفاوت و گوناگون است. از نظر قرآن، زن و مرد از نظر هویت انسانی و بهره‌های روحی و ایمانی برابرند. با وجود این، خداوند در قرآن به جز یک استثنا، زنان را مورد خطاب قرار نداده است، به ویژه در آیات احکام اجتماعی و خانوادگی، جایی که مخاطب مستقیم آیات مردانند، همواره از زن با صیغه غایب یاد کرده است. با توجه به اینکه آیات مختص زنان کمتر مورد توجه و پژوهش بوده و گفتمان‌های کمتری درباره آن انجام شده است. در این نوشتار سعی شده است آیات مربوط به احکام و اخلاقیات زنان در زمینه فردی، خانوادگی و اجتماعی استخراج شود و دیدگاه‌های مفسران بزرگ شیعه درباره این آیات، بیان شده و حکم مورد نظر اعلام گردد.

واژگان کلیدی: آداب، پوشش، استیذان، تبرج

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پیام نور، ایران

ایمیل: Rahmanitirkalai1391@yahoo.com

نویسنده مسئول: حسین رحمانی تیرکلانی

DOI: 10.30495/QSF.2022.1931697.2559

مقدمه و بیان مسئله

اسلام در قوانین خود، مقررات خاصی دربارهٔ زنان وضع کرده است که با مقررات دیگری که در میان اقوام و ملل چهارده قرن پیش وجود داشته است مغایرت دارد و با آنچه که امروز نیز به عناوین مختلف، خصوصاً تحت عنوان تساوی حقوق زن و مرد گفته می‌شود، مطابقت ندارد. از نظر قرآن، زن به خاطر مرد آفریده نشده است و سرشت زن و مرد یکی است. زن شایستهٔ احراز عالیترین مقام معنوی است و می‌تواند از این جهت در ردیف مردان قرار بگیرد و جنسیت مانع نیست. رسیدن به این مقامات معنوی علاوه بر حفظ شخصیت و ارزش زن، مستلزم رعایت آدابی در بخش‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی است که آیات قرآن کریم این آداب را برای زن مسلمان تشریح کرده است. بخشی از آیات که در شمار آیات اخلاقی و فقهی می‌باشد، احکام عملی زندگی زن مسلمان را روشن ساخته و تکالیف آن‌ها را در عرصه‌ها و موقعیت‌های گوناگون زندگی، مشخص کرده است و آنان را به کارهای پسندیدهٔ اخلاقی سفارش کرده و از برخی دیگر باز می‌دارد. ناگفته نماند که گاه جزئیات و دقایق بسیاری از احکام و اخلاقیات و توضیح تفصیلی آن، در ظاهر قرآن نیامده؛ بلکه این روایات و سخنان گهربار معصومین (ع) هستند که با پرده برداری از لایه‌ها و بطون نهانی و پوشیدهٔ قرآن، جزئیات و تفصیل احکام و اخلاق را بیان می‌نمایند. در این نوشتار سعی شده است که این آداب از آیات قرآن استخراج گردد و بر مبنای روایات اهل بیت (ع) توضیح داده شود. این آداب شامل سه بخش اصلی است که عبارتند از: آداب فردی (پوشش و نگاه)؛ آداب خانوادگی (برخورد با مادر، اجازة و استیذان) و آداب اجتماعی (ورود به خانهٔ دیگران و خروج زنان از منزل). بنابراین آیات فقهی و اخلاقی را می‌توان به سه دستهٔ آیات مردانه، زنانه، مشترک میان مرد و زن تفسیم کرد. که نظر به تفاوت‌های آفرینشی مرد و زن اعم از تفاوت‌های طبیعی، اجتماعی و روحانی، تکالیف و وظایف آن دو نیز گاه متفاوت و گوناگون می‌باشد.

پیشینه تحقیق

- پژوهشهایی که در رابطه با موضوع حاضر صورت گرفته است، عبارتند از:
- مقاله «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات» دکترسید علی اکبر ربیع نتاج، پژوهشنامهٔ علوم و معارف قرآن کریم سال اول، شمارهٔ ۶، بهار ۸۹
 - کتاب «تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث»، محمد محمدی ریشه‌ری، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش.
 - مقاله «تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی»، اکرم حسینی، کتاب زنان، سال هفتم، زمستان ۸۳، ش ۳۶.
 - مقاله «منزلت زن در اندیشه والای امیرالمومنین» عباسعلی شاملی، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۰ شماره ۱۱.

آداب فردی

آداب پوشش

در عصر کنونی که عصر انفجار اطلاعات است و زن امروز در فضای حقیقی و فضای نامحدود مجازی، فرصت‌های بی‌شماری برای عرضهٔ برهنگی خود دارد و به عقیدهٔ برخی، عصر برهنگی و آزادی جنسی نمایان شده است و بی بند و باری زنان، جزئی از آزادی آن‌ها به شمار می‌آید، سخن گفتن از حجاب ناخوشایند و گاه افسانه‌ای متعلق به زمان‌های گذشته است. اما مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاری‌های روز افزون که از این آزادیهای بی قید و شرط و بی بند و باری به وجود آمده، سبب شده که به تدریج فلسفهٔ پوشش و حجاب برای زنان که اسلام آن را در آیات و روایات بیان می‌کند، مورد توجه قرار گیرد. با توجه به دیدگاه اسلام کامیابی‌های جنسی اعم از آمیزش و بهره‌گیری از طریق گوش، چشم و لمس اختصاص به رابطهٔ همسران دارد و غیر از آن گناه، و مایهٔ آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد.

بر اساس این دیدگاه، فلسفهٔ پوشش از نگاه اسلام به خوبی روشن می‌شود و ابتذال و کم‌مایگی دیدگاهی که شخصیت زن را تا سر حد یک عروسک، یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌دهد که تنها افتخار او جوانی، زیبایی و خودنمایش است، و ارزشهای والای انسانی او را به کلی به دست فراموشی می‌سپارد بر همگان روشن شده است.

ضرورت پوشش زینت‌ها

(وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) (نور/۳۱)

و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. مواضع زینت خود را برای اشخاص نامحرم ظاهر نکنند. بدیهی است که آشکار شدن خود زینت اشکالی ندارد. تنها وظیفهٔ زن است که مواضع زینت، مثل گوش و سینه و ... را بپوشاند. برخی گفته‌اند: زینت بر دو قسم است: آشکار و پنهان. زینت آشکار لازم نیست پوشیده شود و می‌توان به آن نظر افکند. دربارهٔ زینت آشکار و پنهان سه قول است:

(۱) زینت آشکار، لباس و زینت پنهان، خلخال، گوشواره و دستبند است. (۲) زینت آشکار، سرمه و انگشتری و خضاب کف است. (۳) زینت آشکار، صورت و کف دست‌ها است. «علی بن ابراهیم» در تفسیر خود می‌گوید: «مراد کف دست‌ها و انگشتان است.» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۴۱) این گفتار در روایات نیز آمده است که مقصود از آنچه ظاهر است صورت و دو کف دست و قدم‌ها می‌باشد. (طباطبایی، ج ۵، ص ۱۱۱)

پوشش گردن به وسیلهٔ روسری بلند

(وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ) (نور/۳۱)

زنان باید دنبالهٔ روسری‌ها را بر سینه بیندازند تا گردن آن‌ها پوشیده شود. برخی می‌گویند: قبلاً روسری‌ها را به پشت می‌انداختند و سینهٔ آن‌ها آشکار بود. «جیوب» کنایه از سینه‌ها است.

برخی می‌گویند: به این جهت دستور می‌دهد که روسری‌ها را بر سینه‌ها بیندازند که گوشواره‌ها و گردن‌ها و سینه‌ها را بپوشند.

«ابن عباس» گوید:

بدینوسیله مو، سینه، گلو و قسمت‌های پیشین پوشیده می‌شود. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۴۱)
چون آیهٔ حجاب نازل شد پدران و پسرها و نزدیکان گفتند ای رسول خدا ما هم از پشت پرده با آنها سخن بگوئیم، پس خداوند تعالی این آیه را نازل فرمود. (همان)

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب/۵۹)

ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزندهٔ مهربان است.

معنای «جلاباب» عبارتند از: روپوشی برای پوشاندن موضع گردن و سینه؛ مقنعه و روسری زن؛ پیراهن، لباس و روسری و هر چیز است که زن با آن پوشیده می‌شود. (همان، ج ۸، ص ۱۸۱)

بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۳۵۰)

﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾

یعنی این نزدیکتر است به اینکه به پوشش، عفت، سداد و صلاح شناخته شوند، پس متعرض و مزاحم آن‌ها نشوند برای آنکه فاسق و زناکار وقتی زنی را به پوشش و عفت شناخت، دیگر مزاحم او نمی‌شود. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۸۱)

موارد جواز رونمایی زینت‌ها

﴿وَلَا يُبَدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ (نور/۳۱)

زنان زینت‌های باطن خود را تنها در برابر شوهران آشکار می‌کنند و پیش آن‌ها لازم نیست روسری داشته باشند. منظور این است که زمینه را برای تحریکات شهوی آن‌ها فراهم سازند. پیامبر خدا (ص) فرمود:

«خدا لعنت کند زنی که خضاب و سرمه نکند. همچنین زنی که شوهر را اجابت نکند و در انجام خواستهٔ او تأخیر و کوتاهی کند و عذرهای پوچ بتراشد، ملعون شمرده شده است.» (همان، ج ۷، ص ۲۴۲)

﴿أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ﴾ (نور/۳۱)

بعلاوه در برابر پدر و پدر شوهر و پسر و پسر شوهر و برادر و پسر برادر و پسر خواهر نیز لازم نیست زینت‌های باطن خود را پنهان کنند.

زیرا اینها محرمند و نمی‌توانند با زن ازدواج کنند، جد شوهر و نوه شوهر نیز محرمند. همه اینها جواز نگاه کردنشان به شرطی است که فسادی در بین نباشد. اینها می‌توانند بدون قصد تلذذ به زن نگاه کنند. (همان)

«أَوْ نَسَائِهِنَّ» زنان در برابر زنان با ایمان لازم نیست خود را بپوشانند. اما در برابر زنان غیر مسلمان باید خود را بپوشانند. مگر اینکه کنیزشان باشند. (همان) از روایات وارده از ائمه اهل بیت (ع) هم همین معنا استفاده می‌شود. (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۱۲) فلسفه این موضوع چنان که در روایات آمده این است که ممکن است آن‌ها بروند و آنچه را دیده‌اند برای همسرانشان توصیف کنند و این برای زنان مسلمانان صحیح نیست.

در روایتی از امام صادق (ع) چنین می‌خوانیم:

«لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِّ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ، فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِلرَّوَاكِبِينَ» (صدوق، ج ۳، ص ۵۹۳؛ أحسائی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۰۹)

سزاوار نیست زن مسلمان در برابر زن یهودی یا نصرانی برهنه شود، چرا که آن‌ها آنچه را دیده‌اند برای شوهرانشان توصیف می‌کنند.

«أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ» (نور/۳۱)

ظاهر این جمله مفهوم وسیعی دارد و نشان می‌دهد که زن می‌تواند بدون حجاب در برابر برده خود ظاهر شود، ولی در بعضی از روایات اسلامی تصریح شده است که منظور ظاهر شدن در برابر کنیزان است هر چند غیر مسلمان باشند، و غلامان را شامل نمی‌شود.

در حدیثی از امام امیرالمؤمنین علی (ع) می‌خوانیم که فرمود:

«لَا يَنْظُرُ الْعَبْدُ إِلَى شَعْرِ مَوْلَاتِهِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۲۲۵)

غلام نباید به موی زنی که مولای او است، نگاه کند.

«أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرَّجَالِ» (نور/۳۱)

همچنین لازم نیست زنان در برابر مردانی که تابعند و نیازی به زن ندارند، خود را بپوشند. مراد از این مردان عبارت اند از:

مرد ابله جیره‌خوار زن (دیدگاه امام صادق (ع)) یا آدم عقیم یا افراد اخته و خواجه یا پیرمردان و غلام صغیر. به هر حال آیه شریفه مردی را بیان می‌کند که به علتی، تمایل به زن ندارد و همه چیز برایش یکسان است. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۴۲) مفهوم آیه این نیست که این دسته از مردان همانند محارمند، قدر مسلم این است که پوشیدن سر یا کمی از دست و مانند آن در برابر این گروه واجب نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۸۹)

«أَوْ الطُّفُلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» (نور/۳۱)

همچنین در برابر اطفال نابالغی که شهوت جنسی ندارند و عورت زنان را تمیز نمی‌دهند و قدرت مجامعت ندارند (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۴۲-۲۴۳) و آنچه را از امور زنان که مردان از

تصریح بدان شرم دارند، زشتی‌اش را درک نمی‌کنند، و این به طوری که دیگران هم گفته‌اند کنایه از حد بلوغ است. (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۱۲)

ناروایی کوبیدن پاها به زمین و آشکار شدن زینت آن

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾

در گذشته زن‌ها پاها را به زمین می‌زدند تا صدای خلخال آن‌ها شنیده شود. قرآن کریم آن‌ها را از این کار نهی کرد. مقصود این است که پاها را در موقع راه رفتن طوری حرکت ندهند که خلخال آن‌ها آشکار گردد یا صدای خلخال آن‌ها شنیده شود. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۱۸)

جواز کشف حجاب برای زنان سالخورده

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾

(نور/۶۰)

مقصود از این زنان پیران بازنشسته که در معرض زناشویی نیستند و کسی به آن‌ها رغبت ندارد و زنانی که حائض نمی‌شوند و طمعی به ازدواج به خاطر پیری ندارند و مقصود از کشف حجاب برداشتن روسری و عبا و ظاهر شدن بدون پوشیدن دست و صورت، در میان مردان اجنبی است. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۷۱)

در حدیثی از امام صادق (ع) در ذیل همین آیه می‌خوانیم که فرمود:

«الْخِمَارُ وَالْجِلْبَابُ، قُلْتُ بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كَانَ؟ قَالَ: بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كَانَ غَيْرَ مَتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ»

(شیخ حر عاملی، همان، ج ۴، ص ۱۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۲۰، ص ۳۴۴؛ بروجرودی، ۱۳۹۹، ج ۲۰، ص ۲۸۸)

منظور روسری و چادر است. راوی می‌گوید از امام پرسیدم: در برابر هر کس که باشد؟ فرمود: در برابر هر کسی باشد، اما خود آرای و زینت نکند.

شرط جواز کشف حجاب این است که (غَيْرَ مَتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ) (نور/۶۰) یعنی از کنار گذاشتن حجاب قصد جلوه‌گری و دلربایی نباشد، بلکه تنها آزاد شدن از قیود باشد. بدیهی است که هر گونه جلوه‌گری و دلربایی هم بر پیران و هم بر جوانان حرام است.

باید توجه داشت که حفظ حجاب حتی برای سالخوردگان هم امری برتر است. ﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لِهِنَّ وَ لِلَّهِ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (همان) پاکدامنی پیر زنان و پوشیدن چادر از کنار گذاشتن آن برای ایشان بهتر است. اگر چه حرجی بر آن‌ها نیست. (مجمع البیان، همان، ج ۷، ص ۲۴۳)

اصل استثناء این گروه از حکم حجاب، در میان علمای اسلام محل بحث و گفتگو نیست، چرا که قرآن ناطق به آن است، ولی در خصوصیات آن گفتگوهایی وجود دارد از جمله اینکه: در مورد سن این زنان و این که تا چه سنی حکم «قواعد» را دارند گفتگو است. در بعضی از روایات اسلامی تعبیر به «مسنه» شده (زنان سالخورده) (شیخ حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۴۷؛ مجلسی، همان، ج ۲۰، ص ۳۴۶؛ بروجرودی، همان، ج ۱۶، ص ۵۸۲) در حالی که در بعضی دیگر تعبیر به «قعود از

نکاح» (بازنشستگی از ازدواج) آمده است. (همان) اما جمعی از فقهاء و مفسرین، آن را به معنای پایان دوران قاعدگی و رسیدن به حد نازایی و عدم رغبت کسی به ازدواج با آن‌ها دانسته‌اند. (جواهر، ۱۳۶۵، ج ۲۹، ص ۸۵؛ کنز العرفان، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۲۲۶)

ولی ظاهر این است که همه این تعبیرات به یک واقعیت اشاره می‌کند و آن اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً در آن سن و سال کسی ازدواج نمی‌کند، هر چند ممکن است به طور نادر چنین زانی اقدام به ازدواج بنمایند.

آداب نگاه کردن

﴿ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴾ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ ﴿ (نور/۳۰)

«غَضَّ يَغْضُ» به معنای کم کردن صدا و کوتاه کردن نگاه است. (نگاه گذارا و بدون مکث) (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۹۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۳)

شهید مطهری (ره) می‌فرماید:

«غض بصر یعنی پرهیز از نگاه خیره و خودداری از نگاه آنچنان که کسی را ورنه انداز کنند.» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰)

به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند؛ آگاه است و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند...

ای پیامبر، به مؤمنین بگو که چشم خود را از آنچه دیدنش حلال نیست بپوشند و فروج خود را از آنچه روا نیست و از فاحشه‌ها حفظ کنند. «ابن زید» می‌گوید:

هر جا در قرآن کریم حفظ فروج ذکر شده، مقصود خودداری از زناست. مگر اینجا که منظور پوشش است تا کسی به فرج ایشان نگاه نکند. از امام صادق (ع) نیز روایت شده است که:

«برای مرد حلال نیست که به فرج برادر خود نظر کند و برای زن حلال نیست که به فرج خواهر خود نظر افکند.» (شیخ حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۹۶)

آداب خانوادگی

آداب برخورد با مادر بعنوان برترین زن

یکی از مهم‌ترین آداب خانوادگی مرتبط با زن مسلمان، ادب برخورد با مادر به عنوان برترین زن و اینکه فرزندان به چه دلیل باید این آداب را نسبت به مادر رعایت کنند، در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) مورد تأکید فراوان قرار گرفته است.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾ (احقاف/۱۵)

و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است.

{وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ} (لقمان/۱۴)

و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی. و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

به انسان دستور داده‌ایم که نسبت به پدر و مادر نیکویی نماید و به رفتار پسندیده عمل کند تا رضایت آنان را نسبت بخود جلب نموده و خوشنود سازد. (طبرسی، همان، ج ۸، ص ۱)

«وصیت» و «توصیه» به معنی مطلق سفارش است، و مفهوم آن منحصر به سفارش‌های مربوط به ما بعد از مرگ نیست، لذا جمعی در اینجا آن را به معنای "امر و دستور و فرمان" تفسیر کرده‌اند. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۶، ص ۲۶۴)

قرآن کریم در آیه فوق پس از سفارش کلی به نیکی در حق پدر و مادر، دلایل توصیه به این حکم که برخی آن را امر، دستور و فرمان تفسیر کرده‌اند، در حق مادر بیان می‌کند.

سختی دوران بارداری و وضع حمل

بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت از کودک مسیری برای دستیابی به بلوغ، تعالی و اشراق در زنان است. ریاضتی که مادر را به سرعت به قرب خداوند نزدیک می‌کند (پور سینا، میترا، ۱۳۹۴، ۴۶).

{حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا}

«کره» مشقت بیرونی تحمیل شده بر انسان است و «کره» مشقت درونی و نفس انسان است. (جوهری، همان، ج ۶، ص ۲۲۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۳۴، راغب، ۱۴۰۴، ص ۷۰۷) «الکره و الکره لغتان مثل ضَعْف و ضَعْف» «الکره (مصدر) = اکراه داشتن» و «الکره (اسم) = ناراحتی و نگرانی» (راغب، همان، ج ۹، ص ۱۴۱) معنای آیه این است که با بی‌میلی و به سختی مادرش او را حمل نمود یا آنکه هنگامی که بارداریش سنگین شد مادرش بسختی و ناراحتی او را حمل می‌کرد (طبرسی، همان، ج ۹، ص ۱۴۳) و با سختی وضع حمل کرد. (همان)

{حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ}

سختی دوران شیرخوارگی و رشد کودک

{وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا}

واژه «فصال» از ریشه «فصل» به معنای قطع کردن، جدا کردن و گرفتن از شیر است. منظور آنست که کمترین مدت حمل و کمال دوران شیرخوارگی سی ماه است.

«ابن عباس» گوید:

هر گاه زنی نه ماه آبستن باشد بیست و یک ماه دوران شیرخوارگی کودک است، و هر گاه شش ماه آبستن باشد، بیست و چهار ماه دوران شیرخوارگی کودک است. (همان)

چرا که کمبودهای دوران حمل در دوران شیرخوارگی باید جبران گردد. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۶، ص ۲۶۶)

{وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ}

چرایی اشاره آیه کریمه به زحمات مادر عبارت انداز:

دگرگونی حالت مادر از نخستین روزهای انعقاد نطفه و بروز ناراحتی‌های فراوان؛ ایجاد ناملایمات فراوان با رشد و نمو جنین به دلیل مصرف شیرهٔ جان مادر؛ دوران وضع حمل یکی از سخت‌ترین لحظات زندگی مادر؛ دوران مراقبت دائم و شبانه‌روزی از فرزند پس از وضع حمل؛ نظافت فرزند و تأمین غذای او از شیرهٔ جان مادر؛ مقابله با بیماریهای مختلف نوزاد با شکیبایی و... بنابراین اینکه قرآن در اینجا تنها از ناراحتیهای مادر سخن به میان آورده و سخنی از پدر در میان نیست نه بخاطر عدم اهمیت آن است، چرا که پدر نیز در بسیاری از این مشکلات شریک مادر است، ولی چون مادر سهم بیشتری دارد بیشتر روی او تکیه شده است. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۶، صص ۲۶۵-۲۶۴)

آداب ورود به اتاق پدر و مادر

از آداب مهم دیگر که در حقیقت یک نوع ادب اسلامی در دوران خانواده نسبت به مادر به عنوان یک زن و ارتباط او با پدر است، ادب ورود اعضای خانواده به اتاق پدر و مادر در شرایط خاص است. خدمتکاران موظفند به هنگام ورود به اتاقی که دو همسر قرار دارند اجازه بگیرند. کودکان بالغ نیز موظفند در هر زمان بدون اجازه وارد نشوند، حتی کودکان نابالغ که همواره نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شوند که لافلاقی در سه وقت (قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشاء و هنگام ظهر که پدران و مادران به استراحت می‌پردازند) بدون اجازه وارد نشوند. این یک نوع ادب اسلامی است هر چند متأسفانه امروز کمتر رعایت می‌شود.

تأکید اسلام بر این مسئله ساده اما مهم اولاً به دلیل جلوگیری فرزندان از انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی است و در ثانی اگر کودکان با صحنه‌هایی روبرو شوند که نباید آن‌ها را ببینند، شخصیت پدر و مادر در نگاه آنان متزلزل خواهد شد و ذهنیت آن‌ها نسبت به پدر و مادر تغییر خواهد کرد. و توصیه‌ها و سفارش‌های آنان برای جلوگیری از انحرافات جنسی و اخلاقی فرزندان تأثیرگذار نخواهد بود.

روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرمود:

«يَا كُمْ وَأَنْ يُجَامَعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَالصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳،

ص ۲۹۵)

مبادا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید.

به این مهم در آیات قرآن به صراحت اشاره شده است.

ضرورت اجازه گرفتن

خداوند در قرآن کریم درباره رعایت این اصل چنین می‌فرماید:
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾

ای مردم مؤمن، غلامان و کنیزان و اطفال نابالغ خود را امر کنید که وقتی می‌خواهند وارد اطاق خلوت شما شوند، از شما اذن بگیرند.

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده که تنها غلامان باید اجازه بگیرند و نه کنیزان و مقصود از کودک، بچه‌ای است که عورت را تمیز می‌دهد، (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۶۹) ولی بالغ نشده است و دلیل بر رسیدن به حد تمیز جمله «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» است. (طباطبایی، ج ۵، ص ۱۶۳) همچنین اینکه، آن‌ها این اندازه می‌فهمند که اذن گرفتن یعنی چه، دلیلی است دیگر بر این ادعا. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۱۵۸)

با توجه به اینکه روایتی موافق ظاهر آیه نیز وارد شده و ظاهر آیه هم عام است، اجازه گرفتن شامل هر دو گروه کنیزان و غلامان می‌شود. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۱۵۸)
 بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آن‌ها را وادار به انجام این برنامه کنند، چرا که آنها هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند تا مشمول تکالیف الهی باشند، و به همین دلیل مخاطب در اینجا اولیاء هستند.

ضمناً اطلاق آیه هم شامل کودکان پسر و هم کودکان دختر می‌شود، و کلمه «الذین» که برای جمع مذکر است مانع از عمومیت مفهوم آیه نیست، زیرا در بسیاری از موارد این تعبیر به عنوان تغلیب بر مجموع اطلاق می‌گردد. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱، صص ۱۵۸-۱۵۷)

مواقع کسب اجازه

«مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ»
 یکی پیش از نماز صبح زیرا در این حال ممکن است انسان برهنه به خوابگاه رفته باشد یا اینکه به حالی باشد که نخواهد کسی او را ببیند. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۷۰)

«وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ»

دیگر بهنگام خواب نیمروز که لباس را از تن بیرون آورده‌اید. (همان)

«وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ» (همان)

نیز بعد از نماز عشاء که مرد با همسر خود خلوت می‌کند.

«ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» این سه وقت برای شما عورتند. علت اینکه وقت را عورت نامیده، این است که انسان در این اوقات لباس را از تن بیرون می‌کند و عورتش ظاهر می‌شود.

جواز ورود بدون کسب اجازه

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ»

پس از این سه وقت، بر شما مؤمنین و بر غلامان و کودکان گناهی نیست که بدون اجازه داخل شوند.

مفهوم آیه از دیدگاه علامه طباطبایی این است که خارج از این اوقات سه گانه نه لازم است، مأمورشان کنید به اجازه دخول خواستن و نه لازم است که آنان از شما استیذان کنند. (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۶۳)

«طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ» این‌ها خدمتگزاران شما هستند و چاره‌ای ندارند جز اینکه در اوقات دیگر بدون اجازه بر شما وارد شوند و بر آن‌ها دشوار است که همیشه از شما اجازه بگیرند. (طبرسی، ج ۷، ص ۲۷۰)

این تعبیر در حقیقت به منزله بیان دلیل برای عدم لزوم اجازه گرفتن در سائر اوقات است، چرا که اگر بخواهند مرتباً رفت و آمد داشته باشند و در هر بار اذن دخول بخواهند؛ کار مشکل می‌شود. (کنزالعرفان، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۲۲۵)

ضرورت اجازه فرزندان بالغ

(وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ) (نور/۵۸)

هر گاه کودکان نابالغ شما به سن بلوغ رسیدند، باید در همه اوقات از شما اجازه بگیرند. همانطوری که سایر بزرگسالان آزاد اجازه می‌گرفتند.

«سعید بن مسیب» گوید: منظور این است که انسان باید از مادر خود اجازه بگیرد. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۷۰)

ذکر این نکته نیز لازم است که جمله «كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» اشاره به بزرگسالان است که در همه حال به هنگام وارد شدن در اطاق موظف به اجازه گرفتن از پدران و مادران بودند، در این آیه افرادی را که تازه به حد بلوغ رسیده‌اند هم‌ردیف بزرگسالان قرار داده که موظف به استیذان بودند. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۱۵۷)

آداب اجتماعی

آداب ورود به خانه دیگران

بی شک وجود انسان دارای دو بعد است، بعد فردی و بعد اجتماعی. و به همین دلیل دارای دو نوع زندگی است، زندگی خصوصی و عمومی که هر کدام دارای ویژگی‌ها، آداب و مقررات خاص خود است.

انسان در محیط اجتماع ناچار است قیود زیادی را مانند شکل لباس پوشیدن، راه رفتن، غذا خوردن و ... رعایت کند، ولی پیداست که ادامه این وضع در تمام مدت شبانه روز، خسته کننده و آزار دهنده است.

انسان می‌خواهد مدتی از شبانه روز را آزاد باشد، قید و بندها را رها کند، با خانواده و فرزندان خود به گفتگوهای خصوصی بنشیند و تا آنجا که ممکن است از این آزادی بهره گیرد، و به همین

دلیل به حریم خصوصی خود پناه می‌برد و با بستن درها به روی دیگران، زندگی خویش را موقتاً از جامعه جدا می‌سازد و همراه آن از انبوه قیودی که ناچار بود در محیط اجتماع بر خود تحمیل کند؛ آزاد می‌شود.

حال باید در این محیط آزاد با این فلسفه روشن، امنیت کافی وجود داشته باشد. اگر بنا باشد هر کس سر زده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند دیگر آن آزادی و استراحت و آرامش وجود نخواهد داشت و مبدل به محیط کوچه و بازار می‌شود. در خبری نقل شده است که «ابو سعید» از یاران پیامبر (ص) اجازه ورود به منزل گرفت در حالی که روبروی در خانه پیامبر (ص) ایستاده بود، پیامبر (ص) فرمود: به هنگام اجازه گرفتن روبروی در نایست!

در خبر دیگری می‌خوانیم که خود آن حضرت هنگامی که به در خانه کسی می‌آمد روبروی در نمی‌ایستاد بلکه در طرف راست یا چپ قرار می‌گرفت و می‌فرمود: «السلام علیکم» (و به این وسیله اجازه ورود می‌گرفت) زیرا آن روز هنوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند. (فخر رازی، ج ۲۳، ص ۱۹۸)

در روایات داریم که انسان به هنگامی که می‌خواهد وارد خانه مادر یا پدر و یا حتی وارد خانه فرزند خود شود؛ اجازه بگیرد. در روایتی آمده است که مردی از پیامبر (ص) پرسید: آیا به هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری، عرضکرد مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد باز هم باید اجازه بگیرم؟!

فرمود: «أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهَا عُرْيَانَةً؟!» آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟! عرض کرد: نه، فرمود: «فَأَسْتَأْذِنُ عَلَيْهَا» اکنون که چنین است از او اجازه بگیر. (تفسیر نورالثقلین، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۵۸۶)

در روایت دیگری می‌خوانیم که پیامبر (ص) هنگامی که می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه (س) شود، نخست بر در خانه آمد دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سپس فرمود: «السلام علیکم»، فاطمه (س) پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبر (ص) فرمود: اجازه دارم وارد شوم؟ عرض کرد وارد شو ای رسول خدا! پیامبر (ص) فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟ فاطمه (س) عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست، و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت پیامبر (ص) مجدداً سلام کرد و فاطمه (ع) جواب داد، و مجدداً اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه (ع) اجازه ورود برای همراهش جابر بن عبد الله گرفت. (همان، ص ۵۸۷)

این گونه روایات نشان می‌دهد که پیامبر (ص) که اسوه و الگوی عموم مسلمانان است، تا چه اندازه این نکات را دقیقاً رعایت می‌فرمود.

حتی در بعضی از روایات می‌خوانیم باید سه بار اجازه گرفت، اجازه اول را بشنوند و به هنگام اجازه دوم خود را آماده سازند، و به هنگام سوم اگر خواستند اجازه دهند و اگر نخواستند اجازه ندهند! (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۶۱)

«در کتب فقهی و حدیث آمده است که اگر کسی عمداً به داخل خانه مردم نگاه کند و به صورت یا تن برهنه زنان بنگرد آن‌ها می‌توانند در مرتبه اول او را نهی کنند، اگر خودداری نکرد می‌توانند با سنگ او را دور کنند، اگر باز اصرار داشته باشد با آلات قتاله می‌توانند از خود و نوامیس خود دفاع کنند و اگر در این درگیری شخص مزاحم و مهاجم کشته شود خونش هدر است. البته باید به هنگام جلوگیری از این کار سلسله مراتب را رعایت کنند یعنی تا آنجا که از طریق آسانتر این امر امکان پذیر است از طریق خشونت‌تر وارد نشوند.» (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۱، صص ۷۳-۷۲)

اجازه گرفتن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا» (نور/۲۷)

ای مردم مؤمن داخل خانه‌های دیگران نشوید، مگر اینکه اجازه بگیرید. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۳۷) جالب اینکه در اینجا جمله «تستانسوا» به کار رفته است نه «تستانذنو» زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، در حالی که جمله اول که از ماده «انس» گرفته شده اجازه‌ای توأم با محبت، لطف، آشنایی و صداقت را می‌رساند، و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۱، ص ۶۸)

«ابو ایوب انصاری» گوید: پرسیدم یا رسول الله، مقصود از «استیناس» چیست؟

فرمود: اینکه انسان تسبیح، حمد و تکبیر بگوید و تنحج کند به معنای صدایی که انسان در درون خود به گردش در می‌آورد (ابن منظور، همان، ج ۲، ص ۶۱۲) که اهل خانه متوجه او شوند. «سهل بن سعد» گوید: مردی در یکی از حجره‌های رسول خدا نگاه کرد. حضرت در حالی که ایزاری در دست داشت و سر را اصلاح می‌کرد، فرمود: اگر می‌دانستم نگاه می‌کنی، این را به چشمت می‌زدم. تنها در موقع نگاه کردن، باید اجازه گرفت.

در روایت است که مردی خدمت پیامبر عرض کرد: از مادرم هم اجازه بگیرم؟

فرمود: آری. گفت: او بجز من خادمی ندارد. آیا باید از او اجازه بگیرم؟ فرمود: آیا میل داری او را عریان ببینی؟ مرد جواب داد: نه. فرمود: پس اجازه بگیر. (طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۳۷)

علامه طباطبایی (ره) چرایی این حکم را این گونه بیان می‌کند:

«مصلحت این حکم، پوشاندن عورات مردم و حفظ احترام ایمان است. پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند، و صاحب خانه را به استیناس خود آگاه سازد، و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بپوشاند کمک کرده، و نسبت به خود ایمنی‌اش داده و معلوم است که استمرار این شیوه پسندیده، مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر اظهار جمیل و ستر قبیح است.» (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۰۹)

آداب خروج زنان از منزل

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/۳۳)

و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیتِ قدیم، زینت‌های خود را آشکار نکنید. این آیه اگر چه مربوط به زنان پیامبر (ص) است، اما حکم آن طبق نظر مفسران عام است و شامل همهٔ زنان می‌باشد. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» و در خانه‌های خود آرام بگیرید.

ایشان را (زنان پیامبر (ص)) به استقرار در منازلشان امر فرمود و مقصود ثابت بودن زنان در منازل و ملزم کردن آنان بسکونت در آن است. و اگر از مادهٔ «وَقَرَّ يَقِرُّ» باشد، معنایش اینست که اهل وقار و سکینه (سنگین باشید) و مانند برخی سبک نشوید و از خانهٔ خود بیرون نزنید. (طبرسی، همان، ج ۸، ص ۱۵۵)

«وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» یعنی بنا بر عادت زنان جاهلیت نخستین، بیرون نیایید

و زر و زیور خود را ظاهر نکنید، چنانچه زنان جاهلیت این کار را می‌کردند.

«تبرج» به میل زیاد برای آشکار کردن زیبایی‌ها معنا شده است. (راغب، همان، ص ۴۱)

«قتاده» و «مجاهد» گویند: «تبرج» به معنای تبختر و خودنمایی در راه رفتن است.

«مقاتل» گوید: «تبرج» اینست که روسری خود را روی سرش بیاندازد ولی آن را نبندد که

گلویند و گوشواره‌اش را مستور دارد، پس این‌ها ظاهر گردد. (همان)

خودآرایی زن از آن روی به تبرج تشبیه شده است که مثل قصر و برجی زن خودآرا با زیباسازی

نگاه را جلب و چشم را پر می‌کند. (از مادهٔ «بُرج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است.

(راغب، همان، ص ۴۱)

و برخی گفته‌اند:

که معنای تبرج جاهلیت اولی این است که آن‌ها تجویز می‌کردند که یک زن بین شوهر و رفیقش

جمع کند، پس پائین تنهٔ خود را برای شوهرش قرار دهد (که با او آمیزش و مجامعت کند) و برای

رفیقش بالا تنهٔ خود را قرار دهد که او را بوسیده و معانقه نموده و در آغوش کشد. (طبرسی، همان،

ج ۸، ص ۱۵۵)

برخی گفته‌اند:

ظاهراً مراد همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر (ص) بوده و به طوری که در تواریخ آمده

در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنبالهٔ روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند به

طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود، و به این ترتیب قرآن

همسران پیامبر (ص) را از این گونه اعمال باز می‌دارد.

بدون شک این یک حکم عام است، و تکیهٔ آیات بر زنان پیامبر (ص) به عنوان تأکید بیشتر

است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوئیم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این

نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند.

به هر حال این تعبیر نشان می‌دهد که جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عرب در پیش است که ما امروز در عصر خود آثار این پیشگویی قرآن در دنیای متمدن مادی را می‌بینیم. «جاهلیت اولی» همان جاهلیت قبل از اسلام است که در جای دیگر قرآن نیز به آن اشاره شده است (آل عمران / ۱۴۳؛ مائده / ۵۰ و فتح / ۲۶) و «جاهلیت ثانیه»، جاهلیتی است که بعداً پیدا خواهد شد (همچون عصر ما) (مکارم، همان، ج ۱۳، صص ۲۳۶، ۲۳۵)

همچنین زنان باید به هنگام خروج از منزل و حضور یافتن در صحنه اجتماعی آداب سخن گفتن را رعایت کنند که در قرآن کریم از آن به عنوان وقار در سخن گفتن و «قول معروف» یاد شده است. ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ لَقَدْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (احزاب / ۳۳) پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. قول معروف کلام رایج و درستی است که نزد شرع و عرف اسلامی شناخته شده باشد. کلامی که لحن ادای آن معنایی بیش از مدلول اصلی سخن را نرساند؛ به فساد و ریه هیچ اشاره‌ای نداشته باشد. (طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۳۰۹) نامحرم را به طمع نیندازد و او را به فکرهای شهودی یا درخواست‌های نادرست نکشاند شوخی کردن و سخنان بیهوده غیر معروف اند. (طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۶)

نتیجه‌گیری

بر اساس این نوشتار، آدابی که در آیات قرآن کریم برای زن مسلمان طراحی شده است، اولاً وسیله‌ای برای حفظ ارزش و کرامت والای انسانی زن است و از سوی دیگر رساندن او به عالی‌ترین مقامات معنوی است. زیرا زن با رعایت این آداب است که می‌تواند شخصیت خود را حفظ کند و از ابتذال، کم‌مایگی و بی‌بند و باری که شخصیت زن را تا سر حد یک عروسک، یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌دهد و تنها افتخار او جوانی، زیبایی و خودنمایش است، دوری‌گزیند و به ارزشهای والای انسانی در جنبه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی دست یابد. با توجه به آیات قرآن زن و مرد دو موجودی هستند که خداوند حکیم بر مبنای مصلحت، آن دو را مختلف و با استعدادهای گوناگون خلق نموده است، آنها دارای حقوق انسانی مساوی هستند، ولی در تمامی موضوعات تکلیف مساوی و برابر ندارند، بلکه تکلیف آنها متناسب با داده‌ها و تواناییهایشان است و در روز قیامت با این معیارها مؤاخذه خواهند شد. پس باید استعدادها و تواناییهای زن و مرد را شناسایی کرد و متناسب با آن، آنها را در جامعه مشارکت داد که این عین عدالت است.

کتابنامه

قرآن مجید

بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه محمد باقر مجلسی (ره)، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

پورسینا، میترا، رحمانی، شهلا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه دیگرخواهی زنانه با برخی آیات قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۴۱-۶۰.

الرازی، فخر الدین محمد بن عمر الخطیب. (التفسیر الکبیر، الطبعه الثالثه).

الطباطبایی، السیدمحمد حسین. تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته بجامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

شیرازی، ناصر مکارم. (۱۳۸۶ش)، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از دانشمندان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

تفسیر نور الثقلین. (۱۴۱۲ق)، المحدث الجلیل العلامة الخبیر الشیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تحقیق: تصحیح وتعلیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه إسماعیلیان البروجردی، حسین الطباطبائی. (۱۳۹۹ش)، جامع أحادیث الشیعه، المطبعة العلمیه، قم.

النجفی، محمد حسن. (۱۳۶۵ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، چاپ دوم، طهران: دار الکتب الإسلامیه

علاسوند، فریبا. (۱۳۹۲ش)، زن در اسلام، چاپ دوم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

الجوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق)، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق أحمد عبد الغفور العطار، الطبعه الرابعه، بیروت: دار العلم للملایین

الأحسانی، ابن أبی جمهور. (۱۴۰۳ق)، عوالی اللئالی، تحقیق: السید شهاب الدین النجفی المرعشی؛ مجتبی العراقی، چاپ اول، سال سیدالشهداء، قم.

الحر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۶ش)، الفصول المهمه فی أصول الأئمة، تحقیق وإشراف: محمد بن محمد الحسین القائینی، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).

الفراهیدی، لأبی عبد الرحمن الخلیل بن أحمد. (۱۴۰۸ق) کتاب العین، تحقیق الدكتور مهدی المخزومی؛ الدكتور إبراهيم السامرائی، الطبعه الأولى، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

السیوری، جمال الدین مقداد بن عبد الله. (۱۳۴۳ش)، كنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: شیخ محمد باقر (شریف زاده)؛ محمد باقر بهبودی، طهران: المكتبة الرضویه

ابن منظور، جمال الدین محمد بن مكرم. (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة.

الطبرسی، أمين الاسلام أبی علی الفضل بن الحسن. (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، حقه وعلق عليه لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، قدم له الامام الأكبر السيد محسن الأمين العاملي، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

المجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۰ق)، المرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، إخراج ومقابله وتصحيح السيد جعفر الحسيني، چاپ دوم، طهران: دارالکتب الاسلامیه

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷ش)، مسئله حجاب، تهران: صدرا

- کریا (ابن فارس)، أحمد بن فارس.(۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، بن زتحقیق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامی.
- الراغب الأصفهانی، ابوالقاسم الحسين بن محمد.(۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الثانية، دفتر نشر الكتاب.
- القمی(الصدوق)، أبوجعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه. من لا يحضره الفقيه، تحقیق: علی أكبر غفاری.
- الحر العاملی، حمد بن الحسن.(۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: رحمانی تیرکلائی حسین، آداب زن مسلمان بر اساس آیات و روایات، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۹۵-۱۱۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی